مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

داؤود ملکیار 2024/08/17

پاسخی مختصر به جناب محترم عبدالله کاظم

جای شکر است که جناب شما گفتار 16 سال قبل تانرا که در جریان مصاحبه یی با تلویزیون نور، بتاریخ ۱۵ جولای ۲۰۰۸ اظهار نموده بودید و آن گفتار تان، بار ها توسط اینجانب در مقالات مختلف دقیقاً نقل گردیده بود، تردید نکرده اید و نوشته اید که:
"میکوشم تا به کاپی برنامهٔ رویداد همان روز 15 جولای 2008 که از طرف اینجانب هر هفته از تلویزیون نور در شمال کلیفرنیا بطور منظم در آنوقت سال پخش میگردید، دسترسی یابم و آنرا دوباره بشنوم و اگر لازم افتد قسمتی از آنرا به قید قلم بیاورم".
من این جواب و کوشش جناب شما را برای دریافت حقیقت و امانتداری اینجانب، نه تنها قابل تائید میدانم بلکه کاریست که هر محقق حقیقت جو باید از چنین روشی استفاده نماید.
اما آنچه را درین جوابیهٔ جناب شما قابل تأمل و تأسف یافتم آنست که یک موضوع کاملاً ساده، علنی و روشن را دسیسهٔ پشت پرده تلقی کرده و نوشته اید که:
"اما امروز متنی را از شما آقای ملکیار در صفحهٔ نظریات این پورتال خواندم که واضح شد دست شما در ارائهٔ مطلب در پشت پرده شریک بوده و این بار دوم است که اینکار به عین شکل تکرار می شود"
به توجهٔ جناب کاظم رسانیده می شود که جناب مومند درماه های اخیر چه قبل از انتشار مقالهٔ شان و چه بعد از آن با من در تماس نبوده است، بلکه واقعیت آن است که دو یا سه سال قبل، جناب محترم مومند ضمن یکی از مباحث شان با شما (آقای کاظم) به همان نقلی قولی که من به استناد گفتار شما در تلویزیون نور، چند باردر نوشته هایم استفاده کرده بودم، ضرورت احساس کرده و با من تماس گرفتند و خواستند تا همان نقل قول را بصورت تحریری برایشان از طریق ایمیل بفرستم تا در وقت استفاده از آن، دچار اشتباه نشود.
من هم در همان سال توسط ایمیل، عین همان جملات و عبارات شما را که در جریان صحبت تان با تلویزیون نور، دقیقاً یادداشت نموده بودم، به آقای مومند ارسال کردم و جناب مومند در چند نقل قول قبلی خود، منبع آنرا که همان مصاحبهٔ تلویزیونی بود، تذکر داده بود، اما بار آخر، همان نقل قول را بدون ذکر منبع آن، بکار بردند که مورد سوال و انتقاد شما قرار گرفت.
لذا درین تبادلهٔ معلومات نه کدام پلان پشت پرده وجود داشت و نه این کار کدام عیبی داشت که سبب پنهان کاری گردد و نه کسی آلهٔ دست قرار گرفته است.
اینکه شما صرف با کلمات (شوروی ها تصمیم گرفتند موسی شفیق را از بین ببرند) موافقه ندارید اما با عبارت مکمل تر (شوروی ها تصمیم گرفتند شفیق و نظام شاهی را از بین ببرند) کدام مشکل نداشته و صرف از عدم تذکر مأخذ شکایت دارید، و یا اگر بگوئید که بجای (شوروی ها) عادت دارید (روسها) بگوئید، مربوط به خود شماست و قابل بحث نیست.
اما واقعیت آنست که شما همین مطلب را به همین کلمات در تلویزیون نور بیان کردید، لذا در صورت تغییر عقیده برمبنای دلایلی که به جواب جناب مومند نوشته اید که: "تاریخ یک علم است و رویداد ها با دریافت اسناد و مدارک جدید قابلیت بحث و ارزیابی مجدد را پیدا میکند"، درینصورت لازم می افتد تا آن گفتار و تحلیل 16 سال قبل تانرا با دلایل و اسناد تازه، تجدید نظر و یا به زعم خود تان "ارزیابی مجدد" نموده و به اطلاع دیگران برسانید.
اما تا جائیکه دیده می شود، شما دراکثر نوشته های تان به ارتباط کودتای سرطان و هم در آخرین نوشتهٔ تان که یکماه قبل، به تقریب پنجاه و یکمین سالگرد کودتای سرطان، منتشر نموده بودید، بار دیگر دست مشاورین شوروی را در کودتای سرطان یاد آور شده و آنرا دلیل عدم مؤفقیت سردارعبدالولی، در کشف پلان کودتای سرطان، بعد از بازگشت از لندن معرفی کرده اید.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

اینکه می گوئید نوشته های مرا نخوانده اید و در نتیجه، نقل قول های که از شما صورت گرفته را هم نخوانده اید، متأسفانه با حقیقت سازگار نیست، چون شما به اکثر نوشته های من جواب نوشته اید و یا بر آن تبصره نموده اید، چه در مورد کودتای سرطان و چه در مورد وقایع ارگ در روز هفت ثور و چه در مورد مرگ احمد ظاهر. گاهی آن نوشته های مرا (حب و بغض) عنوان کرده اید و گاهی چیزی دیگر. اما من آن گفتار شما را در اکثر مباحثاتم با شما، تکرار نموده ام و امکان ندارد که طی 16 سال، با آن مواجه نشده باشید.
ولی اختلاف نظر من با شما اکثراً در مورد جزئیات قضایا و یا شواهد و اسناد نبوده، بلکه در تحلیل ها و نتیجه گیری های شما بوده است.
طور مثال شما طی نوشته های سلسله دار تان، کوشش کرده اید که ارتباط نادر خان را با انگلیس ها ثابت سازید و انگلیس ها را پشتیبان و عامل به قدرت رسیدن اهل یحیی، معرفی کنید و با این کار تان تمام خانواده به شمول محمد هاشم خان و دست پرورده های او (داؤود خان و نعیم خان) را نیز در دوسیهٔ عمال انگلیس پیچانیده اید، اما از طرف دیگر داؤود خان را کاملاً از دیگر اعضای خانواده جدا کرده و بالای سکوی ستایش میگذارید.
اگر بی طرفانه قضاوت کنیم، علایق و نزدیکی داؤود خان با شوروی به دلیل دریافت کمک نظامی و یا هر دلیلی دیگر، تماس های مخفیانهٔ رهبران خلق و پرچم با داؤود خان، نفوذ پرچمی ها بعد از کودتای سرطان در اردو و پولیس، دست مستقیم پرچمی ها در سرکوب و فراری ساختن اعضای حزب و جمعیت اسلامی به خارج کشور، تحقیقات و شکنجه های وحشیانه توسط پرچمی های وزارت داخله در حق شخصیت های با وجاهت ملی مانند مرحوم میوندوال و ده ها تن دیگر و بلآخره سرنگونی رژیم داؤود خان توسط دوستان کودتاچی اش در هفتم ثور با عواقب خانمانسوز آن، بیانگر این واقعیت است که نزدیکی داؤود خان با روسها، هزار مرتبه خطرناکتر و تباه کن تر از ارتباط نادر خان با انگلیسها بوده است.
در حالیکه نادر خان یک هزارم اشتباه داؤود خان را مرتکب نشده است، اما قضاوت شما در مورد داؤود خان، کاملاً متفاوت از قضاوت شما در مورد نادر خان می باشد، که این نوع قضاوت به اصطلاح خود شما، چیزی جز از (حب و بغض) بوده نمی تواند.
شما چند بار نادر خان و شاه محمود خان را صرف به اساس حدس و گمان، قاتل پدر بزرگ مرحوم تان معرفی کرده اید، اما در مورد مظالم رژیم داؤود خان و شکنجه های وحشیانه توسط پرچمی ها تحت قیادت "رهبر" به کلی طفره رفته و به نحوی برایش ماله کشی نموده و داؤود خان را از جریان آن مظالم و جنایات، بی خبر وانمود کرده اید.
اینجاست که مورد انتقاد اشخاصی مانند اینجانب قرار گرفته و گپ های و تحلیل های سابق تانرا در تضاد با نوشته ها و قهرمان سازی های اخیر تان، تشخیص داده اند.
لذا در اخیر این مختصر یکبار دیگر همان گفتار تلویزیونی 15 جولای سال 2008 تانرا درین جا تازه نموده و با دو سوال در اخیر آن، به این جوابیه خاتمه می بخشم.
"با آمدن موسی شفیق به حیث صدراعظم، شوروی ها متوجه شدند که افغانستان با وجود زحمات سی سالهٔ آنان، از زیر نفوذ شوروی خارج خواهد شد، لذا تصمیم گرفتند تا شفیق و نظام شاهی را از بین ببرند. و برای مرحلهٔ اول یعنی دورهٔ انتقالی، داؤد خان را برای زعامت ترجیح دادند و مطرح ساختند".
محترم جناب عبدالله کاظم!
به اساس گفتار فوقانی شما، اگر مرحوم موسی شفیق قصد داشت افغانستان را از زیر نفوذ شوروی خارج سازد و این هدف و اقدام او سبب شد تا شوروی ها، او را با نظام شاهی از بین ببرد، پس درین جریان تاریخی، آیا موسی شفیق نقش وطنپرستانه ایفا کرده و جانش را فدا نموده است و یا داؤود خان که به کمک ایادی شوروی، مرحوم موسی شفیق، نظام شاهی مشروطه و دیموکراسی نو پا را از بین برد؟
آیا موسی شفیق باید مورد تکریم و تائید ما باشد و یا داؤود خان که فهمیده و یا نافهمیده، برای دورهٔ انتقالی مورد استفاده قرار گرفته و راه را برای کودتای بعدی و بدبختی عظیم باز نموده است؟؟
نوت: به جواب کسانیکه میگویند پلان کودتای داؤود خان یک و نیم سال قبل از 26 سرطان آغاز شده بود و موسی شفیق در 9 ماه اخیر صدر اعظم بود و روی کار آمدن شفیق با کودتای سرطان ارتباط ندارد، باید گفت که فکر کودتا و تحریکات حسن شرق برای کودتا ممکن است ماه ها قبل از روی کار آمدن شفیق شروع شده باشد، اما شواهد نشان میدهد که اصرار برای قناعت دادن داؤود خان و تصمیم برای عملی ساختن کودتا در شش ماه اخیر صورت گرفته بود. لذا تحلیل جناب کاظم در مورد اقدام عملی برای کودتا و ارتباط آن با روی کار آمدن شفیق، کاملاً منطقی به نظر می رسد.
ممنون از توجهٔ تان
داؤود ملکیار
آگست 16 سال 2024

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ